



مژگان فرجی

بی بند و باری های جنسی، با نصیحت درمان نمی شود

حداقل دوازده جنین یا نوزاد مرده در بین زباله ها پیدا می کنند. هم چنین یکی از پزشکان متخصص زنان می افزاید: "به طور تقریبی ۶۰ درصد از بیمارانی که جهت عمل جراحی سقط جنین به مطب خصوصی مراجعه می کنند، دختران جوان یا نوجوانی هستند که "خارج از ازدواج" باردار شده اند و به این طریق سعی دارند تا از شروع مشکلات بعدی ممانعت به عمل آورند. بی تردید، دختران جوان ما، در معرض افراط یا تفریط هایی که جامعه برای آن ها قابل شده، قرار گرفته اند و در کنار آن با توجه به فاصله فرهنگی و فکری نسل جدید و قدیم و نیز محدودیت های شرعی و مکتبی، انتخاب یک هویت فرهنگی متعادل برای آن ها بسیار دشوار است زیرا متولیان رسمی و غیر رسمی فرهنگی کشور هنوز توضیحی برای ارایه یک الگوی جامع قابل دسترس، کسب نکرده اند. بر همین اساس، دختران از یک طرف با نسل قبل از خود، متفاوت شده و از طرف دیگر در لابه لای تعصبات خانوادگی، رسم و رسومات اجتماعی و اختلاف نظر های شرعی دچار نوعی سردرگمی شده اند و مسیر درستی برای حضور قوی و واقعی در جامعه برای خود یانمی یابند یا به سختی کسب می کنند.

یلهاد، دختر ۱۸ ساله ای که سال گذشته از خانواده اش بریده و راهی تهران شده است، در حالی که در یکی از درمانگاه ها در انتظار پزشک به سر می برد، می گوید: "زمانی که عازم تهران شدم، آینده ام را این گونه نمی دیدم. در حال حاضر به دلایل گوناگون از اعمال تربیتی صحیح و فراهم کردن یک زندگی نیمه عادی برای فرزندم بر نمی آیم. به همین علت اگر این بچه را حفظ کنم به او ظلم کرده ام، زیرا تحت هیچ شرایطی علاقه مند نیستم که

در سراسر جهان به دلیل خلقت و ساخت وجودی زنان، جایگاه و موقعیت ویژه آن ها در جامعه، همچنین برخورداری از روابط انسانی و اجتماعی قوی نسبت به مردان، نقش مثبتشان در امور خانواده و جامعه بسیار تعیین کننده است و از این حیث که زنان در انتقال فرهنگ به نسل های آتی از پتانسیل زیادی برخوردار هستند و همواره برای به وقوع پیوستن تغییرات لازم در سطح خرد و کلان در جامعه، نیاز به حضورشان فراوان احساس می شود، می توان گفت که نقش آن ها به طور جدی، سرنوشت ساز است.

به همین دلیل، تأثیر گذاری زنان در شکل دهی به شخصیت و منش نسل آینده رانمی توان انکار کرد. از این رو است که یکی از اساسی ترین مقوله های حیات بشری در دنیای فعلی، مسئله زنان است و بی دلیل نیست که میزان توجه به این موضوع نشان دهنده نیاز جامعه در برخورداری از سلامت، پویایی و تعالی است.

اما امروز که آسیب های روانی و اجتماعی در جامعه روز به روز در حال گسترش است و در این میان که با نگاهی نه چندان تیزبین هم می توان پی به ناهنجاری هایی در سطوح گوناگون جامعه برد، جای تعجب نیست که بنابینم آنچه در حال حاضر موجبات نگرانی دلسوزان را در این زمینه فراهم ساخته، افزایش سقط جنین در بین دختران جوان و نوجوان است که از کاهش سن گرایش به سوی انحرافات و بی اهمیت تلقی شدن نقش "مادری" در سطح جامعه و خانواده حکایت می کند.

در همین زمینه، مقامی آگاه در شهرداری، سال گذشته در گفت و گویی با روزنامه "سیاست روز" اعلام کرد: "در هر ماه مأموران

دکتر علیایی زند:

در هر جامعه ای میزان اثر گذاری گوها، بستگی به اهمیتی دارد که در آن جامعه، به آن الگوی خاص داده می شود. به طور مثال، در جامعه ما افراد سیاسی - مذهبی، بالاترین تأثیر را بر دیگران می گذارند، زیرا که یکی از شعارهای موجود در این جامعه عبارت است از "سیاست ما، عین دیانت ما است". بنابراین، اگر این افراد منزله و عدالتخواه باشند و از مادیات، سوء استفاده ها، پارتی بازی ها، پست و مقام طلبی ها و کلاً نفس پرستی ها، به نور باشند، خون سالمی در کالبد جامعه جاری می شود. وگرنه، جامعه از ریشه به سوی فساد و تباهی سوق داده خواهد شد

آسیب‌های جنسی در ایران انجام داده‌اید. لطفاً بگویید که علی‌رغم آن که می‌گوییم ما دارای جامعه‌ای معنوی هستیم، چرا این روزها، تعداد قابل ملاحظه‌ای از دختران دارای روابط جنسی متعددند و به دنبال آن عمل سقط جنین رشد داشته است؟

ما می‌گوییم که یک جامعه "معنوی" هستیم، اما آیا هستیم؟ من فکر می‌کنم که وقتی ما می‌گوییم که دارای یک جامعه معنوی هستیم، بیشتر آرزوهایمان را بیان می‌کنیم تا واقعیت‌ها را. شما از مسایل جنسی سخن به میان آورده‌اید، اما من می‌خواهم فراتر از آن بروم و بگویم که در دنیای امروز همه چیز یک جامعه شبیه و مرتبط به هم است. به عبارتی دیگر، در هر جامعه‌ای، اقتصاد آن شبیه به عملکرد سیاسی آن و عملکرد سیاسی آن شبیه به رویدادهای اجتماعی آن و غیره است.

بنابراین شما معتقد هستید که مسایل اخلاقی در همه ابعاد زیاد شده است و مسایل جنسی هم به پیروی از آن‌ها؟

قطعاً همین را می‌گوییم و تأکید می‌کنم که در دنیای امروز، همگی ما به شدت متأثر از رفتارهای افراد سرشناس جامعه هستیم و از آنها الگو می‌گیریم. توجه کنید که در دنیای امروز، حتی کودکانی که در سنین پیش‌دبستانی هستند، دیگر تنها متأثر از رفتار پدر و مادر خود نیستند، زیرا آن‌ها به مجردي که تلویزیون را روشن می‌کنند و یا به خیابان، مهد کودک یا جاهای دیگر می‌روند، افراد دیگری غیر از پدر و مادرشان، الگوی رفتاری آن‌ها می‌شوند. پیداست که هر قدر بچه‌ها بزرگ‌تر می‌شوند، از تأثیر رفتار پدر و مادر کاسته می‌شود و الگوهای رفتاری موجود در جامعه جای آن‌ها را می‌گیرد. بگذریم که خود پدر و مادر هم متأثر از رویدادهای الگوهای اجتماعی هستند. بنابراین، شکی نیست که هر قدر این الگوهای رفتاری موجود در جامعه ناسالم‌تر باشد، رفتار اجتماعی مردم آن جامعه هم، همین رنگ و بورا می‌گیرد.

منظور شما از الگوهای رفتاری موجود در جامعه چیست؟

به عبارتی ساده، افراد سرشناس یک جامعه، الگوهای رفتاری هستند. حالا احتمال دارد که این فرد سرشناس، یک سیاستمدار، یک فرد مذهبی، یک دانشگاهی، یک هنرمند یا یک ورزشکار باشد. به هر حال، رفتار این

نظاره‌گر سرنویشت تکراری خود در چند سال آینده برای او باشم. به هر حال اگر چه ما با حرکت رو به رشد جمعی از زنان در کشور خود مواجه هستیم و این موج به حرکت خود در عرصه‌های مختلف جامعه ادامه می‌دهد، کم نیستند دخترانی که استعدادهایی ذاتی‌شان از رشد لازم برخوردار نشده و بالطبع در شناخت جایگاه خود



به درستی موفق نبوده‌اند و به دنبال آن قادر به ایفای نقش مناسب هم نیستند. موارد مذکور، بر نقش زنان در ایجاد ناهنجاری‌ها به دور از عوامل دیگر تأکید ندارد، اما بی‌شک بدون اهتمام و تلاش در مورد مسایل زنان، امکان برخورداری از نسلی سالم، خلاق و پرتحرک و پویا موجود نیست، چرا که آنان تیمی از پیکره جامعه‌اند و تأثیر مستقیمی در سعادت و شقاوت نیمه دیگر این پیکره دارند. لذا معنای توجه به آنان در واقع توجه به تمام پیکره انسانی جامعه است. همچنین در جهان پرشتاب امروز که عناصر فرهنگی، ناگزیر از تغییر هستند، دستیابی به درک و دریافتی درست از تحولات رami توان از اساسی‌ترین رسالت‌نخبگان در سطح جامعه دانسته، زیرا دگرگونی در باورها، برداشت‌ها و ذائقه‌ها گریزناپذیر است.

در این میان، اهمیت موضوع باعث شد تا ماهنامه گزارش در مصاحبه‌ای با دکتر شهین علیایی‌زند محقق و استاد دانشگاه آسیب‌جنسی در بین دختران جوان در ایران را مورد بررسی قرار دهد.

خانم دکتر علیایی‌زند، به نظر می‌رسد که شما گسترده‌ترین تحقیقات را در زمینه مسایل و

می‌تردید، دختران جوان ما، در معرض افراط یا تفریط‌هایی که جامعه برای آن‌ها قایل شده، قرار گرفته‌اند و در کنار آن با توجه به فاصله فرهنگی و فکری نسل جدید و قدیم و نیز محدودیت‌های شرعی و مکتبی، انتخاب یک هویت فرهنگی متعادل برای آن‌ها بسیار دشوار است. زیرا متولیان رسمی و غیررسمی فرهنگی کشور هنوز توضیحی برای ازایه یک الگوی جامع قابل دسترس، کسب نکرده‌اند

اشخاص، بر عملکرد همه اثر می‌گذارد. به همین دلیل، مسئولیت آدم‌های سرشناس، بسیار خطیر است زیرا اگر این افراد خطا کنند، تباهی همه جامعه را فرا می‌گیرد.

آیا این افراد سرشناس، همگی به یک میزان، بر رفتار و عملکرد جامعه اثر می‌گذارند؟

پیدا است که خیر. در هر جامعه‌ای میزان اثر گذاری الگوها، بستگی به اهمیتی دارد که در آن جامعه، به آن الگوی خاص داده می‌شود. به طور مثال، در جامعه ما افراد سیاسی - مذهبی، بالاترین تأثیر را بر دیگران می‌گذارند، زیرا که یکی از شعارهای موجود در این جامعه عبارت است از "سیاست ما، عین دینت ما است". بنابراین، اگر این افراد منزوع عدالت‌خواه باشند و از مادیات، سوء استفاده‌ها، پارتی بازی‌ها، پست و مقام طلبی‌ها و کلاً نفس پرستی‌ها، به دور باشند، خون سالمی در کالبد جامعه جاری می‌شود، نه جامعه‌ای ریشه به سوی فساد و تباهی سوق خواهد شد.

شما به طور کلی، شرایط جوانان ما را به لحاظ اخلاقی چگونه می‌بینید؟

من در کل می‌گویم که ما مردم خوبی داریم، به ویژه جوانانمان، انصافاً بچه‌های خوبی هستند. اما من بسیار نگران هستم زیرا ما خودمان با دست خود داریم آن‌ها را به سوی عصیان زدگی سوق می‌دهیم. نباید فراموش کرد که جوانان بیش از هر گروه دیگری آمادگی آن را دارند که عصیانگر شوند.

آیا شما علاوه بر مشکلاتی که الگوهای رفتاری موجود در جامعه پیش آورده‌اند، مسایل دیگری را نیز می‌بینید که به این شرایط دامن زده باشند؟

بله، قطعاً. بیکاری، ناامیدی نسبت به آینده، وفور مواد مخدر و شاید از همه مهم‌تر، تبعیض ظالمانه‌ای که در تقسیم ثروت در جامعه ما وجود دارد، عمده‌ترین عناصری هستند که به این شرایط دامن می‌زنند و بیشتر از همه جوانانمان را کلافه می‌کنند.

حال اگر بخواهیم، منحصرأ از دختران صحبت کنیم، به ما بگویید که آیا پدیده دیگری هم وجود دارد که به صورت مضاعف، بر شرایط اجتماعی موجود دختران، تأثیر گذاشته باشد؟

من فکر می‌کنم که مفهوم آزادی زن در ایران یدجوری جا افتاده است. به عبارتی دیگر، جمعی از دختران ما در رفتار خود سعی می‌کنند که مانند مردان دو نسل قبل رفتار کنند. واقعاً هر چه آن‌ها ریخته‌اند، برخی از این عزیزان ما، دارند

جمع می‌کنند و این بیشتر شبیه انتقام‌کشی است تا تلاش برای برخورداری از حقوق مساوی و در خور احترام. من در کل با این شیوه و با هر پدیده و رویدادی که زن و مرد را دشمن هم بداند و آن‌ها را در مقابل هم قرار دهد مخالف هستم.

چرا اینطور شد؟

به نظر من در چند سال گذشته، برخی از افراد که ظاهرأ سردمدار "حق طلبی" برای زنان بوده‌اند، هم به بیراهه رفته‌اند. آنها به قدری از صبح تا شام، از ظلم مرد و رفتارهای ظالمانه او صحبت کردند تا همه شدند دشمن یکدیگر و این ضربه مهلکی بود بر بدنه جامعه. از طرفی دیگر، سردمداران سیاسی - مذهبی ما هم مرتکب یک اشتباه کلان شدند و آن، این بود که به جای تمرکز - بر رفتار خودشان و اجتناب از تعارض بین گفته‌ها و اعمالشان مرتباً برای مردم از الگوهای تاریخی



مکتب سخن به میان آوردند و گفتند که باید از آن‌ها پیروی کنید، در حالی که خودشان به گونه‌ای دیگر رفتار کردند غافل از آن که همه تحقیقات می‌گویند که الگوهای تاریخی، مثبت، قابل احترام هستند، اما انسان‌ها از افراد سرشناس کنونی، یعنی آن‌هایی که در حال حاضر با مادر جامعه زندگی می‌کنند، خیلی بیشتر الگو می‌گیرند تا افراد مطرح در تاریخ مکتب، هر چه قدر هم که این افراد عزیز و در خور احترام باشند، علاوه بر همه این‌ها، باید اضافه کنیم متأسفانه، سیاست‌گزاران جامعه ما تا سال‌ها، انتظاراتی هم که به لحاظ رفتاری از مردم داشتند به تفکیک سن نبود. یعنی از یک جوان هفده یا هجده ساله، به لحاظ رفتاری، نوع لباس پوشیدن، خواست‌ها و تمایلات، همان انتظاری را داشتند که از یک فرد چهل یا پنجاه ساله. پیداست که بنابراین چنین رویدادی جوان را سرکش و عصیانگر می‌کند. بگذریم از آن که فرزندان و جوانان بسیاری از افراد سرشناس، خودشان نیز به گفته‌های بزرگ‌تر هایشان عمل نمی‌کنند. اگر تمام این‌ها را در کنار فسادهای مالی و اداری، بیکاری، وفور مواد مخدر و از همه بدتر تبعیض‌گناریم، دیگر به کدام دلیل وضع باید بهتر از این که هسته باشد؟